نمود و از ما اوقات منقطع گشت شد پس علم و حمایت از حضیض عبدیت بشرفه ایشان را بذروهٔ عبدیت ربوبیت ترقی و تصاعد داد
تا لاجرم خوف غدار و ترجیع عظیمات تطبیعت داند و کین نیشد از وصول انوار شریعت بیت چو این کشتم از هیبت پرآسان
شوم در کرم چو شادی و حال و پرآند کین باشم ٭ و چون این آیه را نازل شد حبیبی کو قبل از نزول در تحریص و ترغیب با فرما بسیف داد و ذو
یکنام عدل اهل طریقه و حجت تشدید ایشان این آیه فرود آمد یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله ای گروه کسانی که تبرید از غلبه ایمان
وذروا ما بقی من الربوا و دست بدارید از آنچه باقی مانده از ربا ان کنتم مؤمنین اگر هستید شما باور دارندگان و مرت
ربا با اگر ایمان شما صحیح و کامل است زیرا که دلیل صحت امتثال امر الهیست قول عبد الله عباس مفتی عمده آنست که این آیه در شان
ابی عمرو عثمانی و بنی عمیر و عمرو بن عمیر نازل شد که بر بایکدیگر معاهده داشتند چون روز فتح مکه تمکنت و مکانت و حضرت رسالت صلی الله
بر قریش ظاهر شد و تو کرده و پیش علی انجا و کار ربا سلامت خویش در ثابت و گفت دیده و سر بر خط انقیاد و نهاد و نفقتی شرع مقرر را
فتوی داد و بنی ثقیف بشرط آنکه ربوا ایشان بر دیگران ثابت باشد و ربای دیگران از ایشان موضوع صلح کردند و در وقت طلب
ربا از بنی عمیر و کار ایشان سخت گرفته بنی عمیر زیاده برشدند که بخت کسانیکه ما که ربا از مردمان وضع کرده ایم نبود بدان
باز گرفتیم پس رسول رب العزت حضرت مصطفی صلعم را نام احکام ملک و دین ما بکت کفایت او نموده بود و بالات حرم است
اهل حرم مشهور تصرف بوده داد و حکایت شکایت خود باز گفتند عتاب سورت ماجرای ایشان را بسفارت کتابت بحضرت رسالت
رسانید این آیه فرود آمد حکم شد که از ربوا دست بدارند فان لم تفعلوا پس اگر نکنند و بقیه ربا را ترک ننمایند فاذنوا پس بشنوید
و آگاه باشید از دست بمعنی علم و اگر بدو خواند از باب ایذا بمعنی اعلام بود که آگاه کنید یکدیگر را آماده باشید بحرب من الله
ورسوله بجنگ کردنی از خدا و رسول او گویند حرب خدای با تش است و حرب رسول شمشیر ملخص سخن آنکه اگر چنین کردم
نکنید درین جهان رسول را زیرا علم بمحاربه و مقاتله شما و در آن جهان عذاب کنم شما را ای عزیز تکفیر حرب از برای تعظیم است
تشدید یکنند این جماعت کلمه کفر را در آنکه تحریم با ما دست میدارید در بقیه ربا پس یکدیگر را اعلام کنید بنوعی عظیم از
صاحب حقاق که بدو حرب جمع محاربه است چون سفر که جمع مسافر باشد یعنی آماده باشید که وی حرب کنند کار از که بنوعی
خدای و رسول شما محاربه نمایند در اخبار آمده که روز قیامت ربا خواره را گویند قدسلک محک طلب سلاح خود فرا گیر و جنگ را
باش وان تبتم و اگر توبه کنید از ربوا دادن و اعتقاد حلیت او و حکم غدار را بر بندید فلکم رؤس اموالکم پس شما را
سرمایه‌های شماست لا تظلمون نه بر شما ظلم کنند که از سرمایه چیزی بکاهند و چون این آیه نازل گشت بنو ثقیف سر مدعی رسیدند
و باید دانست که خدای را اهل نزاد درین آیه هفت عقوبت تشدید کرده داست اول تخبط که روز قیامت خوارد بقدر ربا
و از اهل عقل باشد یتخبطه الشیطان من المس دوم توحید عذاب نیم بر ما خالدون سیم محق یمحق الله الربوا و ان ربا
برکت از مال و آن مال را کار خلافت حق حاصل کرده باشد چه برکه خواهد بود چهارم عدم مغفرت پنجم تولیت بکفران و الله لا یحب
کل کفار اثیم ششم تردد در ایمان ان کنتم مؤمنین هفتم خدای و رسول فاذنوا بحرب من الله و رسوله و در دعا

صحیح نیز تشدید این جماعت بسیار است انجمله آنکه بنقاده و دو باست یعنی آن ابواب شر و ادنی با دنی با بلاز ان اگر کوی
زنا کرده باشد بیت زنا فی که از سود و زر میرسد ٭ ندانم که از هیچ شر میرسد ٭ ربا خواره خون باشد بیخود ٭ بشر خورد و بیخ و شر خورد
و سایر پیشه‌وران چه قبل از اکتساب یقین روزی خود کرده‌اند و محصول کتسب خود را پیش از حصول تیقن نساخته چون از آن ذات
معلوم نیست پس اهل توکل شده اقرار بکسب خود را تعیین میکنند و بسبب محجوب شده از مسبب غافل گردند و نفس
خود را در رزق خود مصرف میداند و این عین جهل و محض غفلت است دوم اکل با مرکب جمیع معاصی میشود زیرا که هر طعامی از مال
حرام بعمل است در و تولید و اعیه خواهد کرد که بازیب و باشد بعضی از حرام سیم اگر در طلب مال صفت سیخت بردی باشد
تفات قلب و دقاقه وجه و فاقه معلل محفوظ است و عنان عاقل از صفوف انصاف برحمت شفقت و رزق و انسانیت
مصرف چهارم سبب آن میشود که دیون خلق و بیقدار گردد و پیوسته بفکر ادای دیون و شغول شده از فوت و زیاده
بر طرف باشد پنجم در زیادتی مال سکون شده و از دیاد مال را زیاده عقلا صور بسیار و ظرف بیشمار است چون غلبه عاصیان و کثرت عاملان
و قاصدان و سازندگان با خلایق و دل شغول بنوع خلایق نمانده باشد نه لحاظت آن بنعمت و در وقت اهل کثرت بحرمت
و ذاته و فی الحقیقه رباد واسطه تقرب ذات الدین است و وسائله منع عقد اسطام و سبب زرع لحاظ و در مسدود و سبب بکنجی
دشمنان از نزدیک و دور رفع لازم کرم محبت از دوست و زوال رسم الفت بدو صفتی را که این عمه ذمت لازم باشد هر کنفر
او دفع کرده هر آینه شخصی بود حریص بی باک و حسین ناپاک و بر حرم درش روی و بحث ال و زشت خوی و بسیار دشمن
باد و کوبی و بیوفا و غدار و بیقدار باشد بیت هر چه از انواع ذمت و تهمت ٭ ذات او جمع آن زیاست ٭ مفسران گویند
چون مؤنث سرمایه خود را که بدان رضی بود و نازنینی عمیر و طلب نمود و ایشان از غایت سکر بیستی الفاس نماس و تیر کرده
نزدان ادراک شمار زمان نیخواهیشد و مقصود در تحصیل آن قبول عذر و از اهمال و تاجیل ابد یکدیگر و دقیق بجاز و تعالی بر سکت
و عفو فرمایند و حکم فرمود و ان کان ذو عسرة و اگر باشد ای و مفلسی یعنی قادر نبود بر نقدی که ادای دین کند و سامی که از دنیا
آن دیون عاجز حاصل شود و نظرة پس حکم آن مهلت و دو دست الی میسرة تا وقتی که توانگری بدو آید و باسانی
خواهد توانند داد و اگر چه صورت آیت خاصست بر بالا مکش عمومی بار و در جمله انواع حقوق و آن نیز متفاوت است اگر دینی باشد
که عین نجاست شده چون گرفتن وام و خریدن متاع بوسر بوده و اگر حالت که بعض ساقط گشته چون دزدی شخصی بحال بیچاره
روی اسکار کند مقبولست چه اصل در آدمی فتوت است و ناتوانی که صاحب حق بقیه امانت کند بر بسیار ای ای عزیز نظام
سر اثواب بسیار است در سعید مسلم آورده که سید انبیا صلعم از علیه زمود که هر وام و از مفلسی لعلت دهد و اگر تو نه
وام خود را از دیر دار و حق تعالی آن بنده را از اندوه رنجی روز قیامت نجات بخشد و در جای دیگر آمده که هر که آسان گرداند

Copyright © King Saud University

Created with PDFsharp 1.2.1269-g (www.pdfsharp.com)